

بررسی عوامل موثر جغرافیایی در تدوین استراتژی ملی ایران با تاکید بر استراتژی سیاسی

معصومه طاهری موسوی

دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

E-mail: masoumeh-taheri@yahoo.com

چکیده:

استراتژی پیش از آنکه واژه ای سیاسی تلقی شود اصطلاحی نظامی بنظر می رسد در حالی که مفهوم استراتژی محدود به بعد نظامی نیست و امروز از استراتژی ملی بحث می شود که به معنای علم و هنر توسعه و استفاده از منابع سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز در زمان جنگ و صلح جهت تامین حداکثر حمایت از سیاست های ملی و در صورت وقوع جنگ افزایش احتمال پیروزی و پیامدهای مساعد آن است ایران با توجه به موقعیت در سطوح ملی، منطقه ای و فرا منطقه ای و قرار گرفتن در فاصله دو پهنه آبی خزر و خلیج فارس، همچنین نزدیکی به آسیای مرکزی و منطقه قفقاز ایجاب می نماید که از استراتژی بحری برخوردار باشد و در جهت گیری سیاسی از استراتژی اتحاد و ائتلاف تبعیت نماید.

واژگان کلیدی: موقعیت جغرافیایی، استراتژی ملی، استراتژی سیاسی، سیاست خارجی، همگرایی و واگرایی

مقدمه:

واژه استراتژی از اوایل قرن بیستم کاربرد وسیعی یافته و در حیطه های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. بدیهی است دولت ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و نیز تحت تاثیر ساختار و عملکرد نظام بین المللی، جهت گیری ها و استراتژی های خاصی را به منظور تامین اهداف خویش بر می گزینند، بنابراین اهداف استراتژی براساس تعاریف رئالیستی از سیاست، مشابه اهداف سیاست است به طوری که هر دو اصل یک هدف یعنی کنترل و تغییر اذهان و اعمال طرف مقابل را دنبال میکنند در حال حاضر توجه به ابعاد و الگوی حوزه جغرافیایی، تحلیل مرزهای سیاسی، سازماندهی مجدد آنها و نقش جغرافیا در روابط بین الملل در تدوین استراتژی سیاسی اهمیت وافری یافته است زیرا عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی یا انسانی قادرند به طور مستقیم و غیر مستقیم بر جهت گیری های سیاسی تاثیر گزار باشند بدیهیست، پیدایش قدرت در گرو و ترکیب کلیه عوامل فوق در بستری از امکان است در این تحقیق سعی گشته عوامل فوق که به طور اعم در تدوین استراتژی ملی ایران و به طور اخص بر تدوین استراتژی سیاسی تاثیر گزارند مورد بررسی قرار گیرند، و در نهایت در این رابطه دو فرضیه مطرح گردیده مبنی بر اینکه کشورهایی که دارای موقعیت بحری به هر شکل هستند سرانجام جذب استراتژی بحری خواهند شد

همچنین با توجه به نگرش تحولات جهانی به نظر می رسد بهترین جهت گیری سیاسی استراتژی اتحاد ائتلاف است.

متغیرهای این تحقیق در قالب متغیرهای مستقل مانند متغیرهای انسانی، متغیرهای اجتماعی، متغیرهای نظام بین الملل، فدراسیون های منطقه ای و... و متغیرهای وابسته یا غیر مستقل مانند واگرایی و تعارض، همگرایی و ائتلاف، دسته بندی شده اند و در روش تحقیق از طرق کتابخانه ای و منابع اینترنتی اطلاعات جمع آوری گشته.

روش بررسی :

روش های بررسی از طریق مطالعه اسناد مکتوب موجود در کتابخانه ها و آرشیوها، کتب چاپی، کتابخانه های دیجیتالی و سایت های اینترنتی انجام شده است.

یافته های تحقیق :

ایران دارای جغرافیایی طبیعی و انسانی خاصی است به طوریکه موجب گشته از دیگر کشورهای منطقه متمایز گردد آنچه از لحاظ جغرافیای طبیعی و انسانی ایران می توان اذعان نمود عبارتست از:

موقعیت :

ایران از لحاظ مکان جغرافیایی بخش از فلات بزرگ ایران است که وجود چهار جلگه در چهار طرف آن (جلگه رود کورا، جلگه بین النهرین، جلگه ماورالنهر، جلگه پنجاب و سند) این منطقه را از آسیای صغیر و فلات پامیر جدا می نماید و یکی از فلات های مترتفع دنیاست، (بیک محمدی، ۱۳۷۸، ۳۸) وسعت ایران حدود نصف وسعت فلات کبیر است و حدود نود درصد از غرب فلات کبیر را در اختیار دارد. به روایتی ایران با واقع شدن در جنوب غرب آسیا و حد فاصل قرار گرفتن شرق اروپا و غرب آسیا، به صورت پلی ارتباطی عمل می نماید، از لحاظ موقعیت ریاضی در ۲۵ درجه عرض شمالی و ۴۴ درجه نصف النهار غربی در منطقه معتدله شمالی قرار دارد و از نظر آب و هوایی دارای اقلیم بسیار متنوعی است از لحاظ موقعیت نسبی موقعیت متمایزی نسبت به کشورهای همجوار دارد و با دو پهنه آبی مهم امروز دنیا (خزر و خلیج فارس) مرز دریایی دارد. تنگه هرمز در خلیج فارس گذرگاه بسیار مهمی است که هشت کشور حوزه خلیج فارس از طریق آن با دریای عرب و اقیانوس هند مرتبطند، بریدگی ها و خورهای کوچک، بنادر مناسب و با سواحل نوعا مضرسند که از امتیازات طبیعی ایران در حوزه خلیج فارس به شمار می رود، در عرصه خزر همجواری با کشورهای نو استقلال آسیای مرکزی و روسیه موقعیت مناسبی را جهت ارتباط افزونتر با دنیای خارج فراهم آورده است کوههای زاگرس در غرب ایران به صورت دیواری فشرده شرایط مطلوبی را فراهم آورد به طوریکه وجود آنها موجب کندی حرکات نظامی زمینی به داخل و مرکز کشور می شود شکل کشور ایران به گونه ای است که امکان تجزیه و پاره پاره شدن^۱ ندارد و فاقد هر گونه دنباله یا زائده^۲ است و بهترین شکل را که دایره ای یا مدور^۳ است را تقریباً دارد (فاصله مرزها تا مرکز ایران، حدوداً فواصلی منطقی هستند.) نقشه شماره (۱)

^۱ - Fragmented

^۲ - Protubated

^۳ - Compact

موفقیت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه نشان میدهد و فضای آن براساس آخرین مطالعات انجام شده یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع برآورده گشته .

(حافظ نیا، ۱۳۸۱، ۷۶)

- مرزهای ایران در مجموع ۸۷۳۱ کیلومتر است که حدود نیمی از آن مرزهای خشکی و باقی رودخانه ای، باتلاقی، دریاچه ای و دریایی است ایران در شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان، دریای خزر (از دهانه رود خانه آستارا، تا خلیج حسینقلی) و ترکمنستان مجموعاً ۲۶۷۰ کیلومتر مرز آبی و خشکی دارد ضمن آنکه از طریق دریای خزر با کشورهای قزاقستان و روسیه نیز مرز دریایی مشترک دارد. از جانب مرزهای شرقی با دو کشور افغانستان و پاکستان مرزهایی به طول ۱۹۲۳ کیلومتر دارد و مرزهای آبی جنوبی ایران به طول ۲۰۴۳ کیلومتر از خلیج گواتر تا دهانه اروند رود است و مرزهای غربی با همجواری دو کشور عراق و ترکیه جمعاً ۲۰۹۵ کیلومتر را به خود اختصاص داده. (همان، ماخذ، ص ۳۱۰)

آنچه مسلم است ایران از طریق دریای عمان و خلیج فارس نیز با ۷ کشور نواحی غرب و جنوب در این حوزه همجوار است، مرزهای ایران در تمامی جهات از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است لکن به دلیل دارا بودن مرز دریایی با دو پهنه آبی خزر و خلیج فارس و موضوع منابع انرژی و خطوط مواصلاتی در این دو منطقه، نیاز به بررسی مفصل تری در این رابطه وجود دارد.

دریای خزر:

- دریای خزر و همسایگی ایران با این پهنه آبی قدمتی نسبتاً طولانی دارد. از سالیان متمادی و در دوره روسیه تزاری ایران و روسیه دو همسایه بلافصل یکدیگر بودند دو جنگ میان ایران و روسیه و انعقاد عهدنامه های گلستان و ترکمانچای (۱۸۱۳ م و ۱۸۲۸ م) بخش های وسیعی از قفقاز شامل قلمروهایی از سه کشور کنونی (گرجستان، ترکمنستان و آذربایجان) از ایران جدا شدند و براساس مفاد فصل های سوم و چهارم معاهده ترکمنچای، سرحد مرزی از ارس تا مصب رودخانه آستارا تعیین شد همچنین براساس قرارداد گلستان، حق کشتیرانی در دریای خزر از ایران سلب گردید و به موجب عهدنامه ترکمنچای منحصرأ کشتی های تجاری روسی اجازه عبور و مرور آزاد در دریای خزر و در امتداد سواحل را داشتند (در سال ۱۹۲۱ براساس عهدنامه مودت موارد بحر پیمایی و حق انحصاری ماهیگیری به نفع ایران تعدیل گردید). عهد نامه های ۱۹۲۲ و ۱۹۴۰ م و ۱۹۶۴ م به نفع ایران بود زیرا بهره برداری مشترک دو کشور شمالی و جنوبی دریای خزر (ایران و شوروی سابق) قانونمند و منطقه پرواز نیز تعیین گردید. پس از فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۸۹ م و تجزیه این سرزمین، ایران با ۴ کشور حوزه خزر همسایه شد نقشه اش ۲ نشاندهنده مرزهای جغرافیایی دریای خزر است.)

اولین اجلاس جهت تعیین رژیم حقوقی جدید در دریای خزر در دسامبر ۱۹۹۶ (پاییز ۱۳۷۵) در قزاقستان تشکیل گردید که اکثر مباحث حول مسایل زیست محیطی بود. تا کنون پانزده نشست کاری پیرامون مسایل مرزی و زیستی خزر با شرکت کشورهای همسایه این دریا تشکیل گردیده و هنوز نتیجه قطعی اعلام نشده است. علت اختلاف نظر اعضا در چند مقوله خلاصه میشود.

خزر از لحاظ قانونی دریاچه محسوب می شود (بزرگترین دریاچه دنیا) و قوانین مربوط به حقوق دریاها که آخرین آن مصوب ۱۹۸۲ است در مورد آن صدق نمی کند.

کشف و استخراج نفت و گاز موجب گشته تا کشورها هر کدام به فکر منافع اقتصادی خود باشند. سرمایه‌گذاری‌های غرب و اسرائیل از ابزارهای فشار در این منطقه است. کشورهای نو استقلال با توجه به وابستگی که در گذشته به اتحاد شوروی داشتند از لحاظ اقتصادی نیاز به حمایت دارند و سرمایه‌گذارهای غربی موقعیت مناسبی از این لحاظ دارند. در منطقه دریای خزر بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای (روسیه، ایران، قزاقستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ترکیه، ازبکستان، ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، چین، اوکراین، ایالت متحده آمریکا، اسرائیل، اتحادیه اروپا، هند، پاکستان، عربستان سعودی، ژاپن، شورای نظامی ناتو) به تناسب منافع خود ایفای نقش می نمایند. همکاری‌های منطقه ای دریای خزر عمدتاً در دو بخش کشف و استخراج منابع نفت و گاز، ایجاد خطوط ارتباطی انتقال نفت و گاز خزر تعریف میشود.

ملاحظات ژئوپلیتیکی دریای خزر قابل توجهند که مهمترین آنها عبارتست از:

- تمرکز توجه جهانی و نفوذ منطقه ای
- ظهور رقابت‌های منطقه ای
- مسیرهای صدور نفت و گاز
- ابهام حقوق دریای خزر
- مسایل زیست محیطی و ژئوآکونومیکی خزر
- مسئله نظامی شدن دریای خزر

دریای خزر دارای ۱۶ تا ۳۲ میلیارد بشکه ذخیره نفتی اثبات شده است و ذخایر گازی احتمالی این منطقه در صورت اثبات به ۳۲۸۰ تریلیون متر مکعب خواهد رسید. (google,2005)

در رابطه با تعیین رژیم حقوقی خزر تاکنون توافق‌هایی دو جانبه و سه جانبه صورت گرفته که مورد اعتراض دیگر کشورهای همجوار بوده، ایران با پایبندی نسبت به دو قرار داد ۱۹۲۱، ۱۹۴۰ و تقسیم کف و آبهای آن به تساوی ۲۰ درصد و حقوقی به نسبت منطقه انحصاری اقتصادی موازی با ساحل و اشتراک در بقیه دریا تاکید دارد و روسیه، قزاقستان و آذربایجان بر خطوط متساوی الفاصله اصرار دارند که در این صورت سهم ایران ۱۲ تا ۱۳ درصد خواهد بود.

جدول ش ۱: میزان ذخایر اثبات شده نفت و گاز در کشورهای ساحلی خزر را نشان می دهد

خلیج فارس:

مرزهای جنوبی ایران تماماً مرزهای دریایی هستند که از خلیج گواتر در دریای عمان آغاز و تا دهانه فاو در منتهی الیه غرب خلیج فارس به طول ۲۰۴۳ کیلومتر خاتمه می یابد. خلیج فارس از طریق تنگه هرمز با دریاهای آزاد به طور مستقیم مرتبط است بنابراین کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ (جامائیکا) شامل آن می شود که به طور خلاصه عبارتست از:

- خط مبدأ: از حد پست ترین جزر آب در امتداد ساحل

- آبهای داخلی: آب های پشت خط مبدأ یا بین خط مبدأ و ساحل

- دریای سرزمین: از خط مبدأ تا دریای سرزمینی به وسعت ۱۲ مایل دریایی (هر مایل دریایی حدود ۱۳۵۲ متر)

- منطقه نظارت (مجاور): از دریای سرزمینی تا منطقه انحصاری اقتصادی به وسعت ۱۲ مایل دریایی

- منطقه انحصاری اقتصادی: از خط مبدأ ۲۰۰ مایل دریایی (به دلیل که کم عرض بودن خلیج فارس این قلمرو کمتر از ۲۰۰ مایل و براساس خط منصف تعیین مرز شده است، عرض اختصاصی ایران در این منطقه حدود ۱۷۶ مایل دریایی است)

- آب های آزاد: کلیه قسمت های دریا پس از منطقه انحصاری اقتصادی است (در خلیج فارس به دلیل عرض کم خط منصف مرزی وجود دارد و شامل دریای عمان می شود)

فلات قاره: شامل بستر، زیر بستر، ماورای دریایی سرزمینی در امتداد قلمرو زمینی کشور (ژرفاشیب) در خلیج فارس به دلیل عرض کم مانند انحصاری اقتصادی عمل می شود)

(میر حیدر، ۶۷، ۱۳۷۱)

- منطقه میراث مشترک: تنها در دریای عمان مشهود است.

مرزهای خلیج فارس:

۲۵ نقطه مشترک مرزی میان و ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و سلطان نشین عمان همسایگان دریایی ایران، به شمار می روند (عراق مرز خشکی نیز دارد)

جزایر خلیج فارس: شش جزیره استراتژیکی از تنگه هرمز و در منطقه ورودی خلیج فارس وجود دارد، هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که بر روی یک منحنی فرضی قراردارند جزایر کیش، لاوان، هندورابی، فارور، بنی فارور، سیری، فارس، خارک و تنب کوچکی همگی متعلق به ایران هستند و مرز دریایی هر کدام براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ معین شده است (عربستان و ایران به دلیل تقسیم دو جزیره عربی و فارسی مرز دریایی مضرس مانند پیدا کرده اند) (مجتهد زاده، ۱۳۸۰، ۸۹)

مورد اختلاف مهم در حال حاضر اختلاف شارجه با ایران بر سه جزیره تنب ها و ابوموسی است که تا کنون حق مالکیت ایران پا برجاست لکن حاکمیت بر ابوموسی بطور مشترک است. نقش ش ۳ نشاندهنده مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس است.

منابع انرژی در خلیج فارس:

در پایان سال ۲۰۰۳ م ذخایر اثبات شده نفت این منطقه ۷۱۸ میلیارد بشکه (۶۶ درصد کل منابع جهانی) و حدود ۷۰ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی اعلام گشته که ۴۵ درصد از این ذخیره متعلق به کشورهای عربستان، ایران و عراق است و حدود ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان در این منطقه است و ایران دومین کشور دارنده گاز طبیعی پس از

روسیه است، میانگین هزینه تولید در کشورهای حوزه خلیج فارس بسیار پایین و کمتر از ۲ دلار در هر بشکه است (در ایالات متحده حدود ۱۷ دلار برآورد هزینه جهت هر بشکه شده است)^۱

موضوع با اهمیت دیگر وجود تنگه استراتژیکی هرمز به عنوان تنها راه عبور حمل و نقل تجارت دریایی کشورهای حوزه خلیج فارس است (به غیر از عربستان که به دریای سرخ راه دارد) (Persian Golf oil 2004) تقسیم مرز دریایی میان ایران و سلطان نشین عمان از میانه تنگه هرمز با توافق طرفین انجام گرفته و ایران و عمان اختلافی در این رابطه ندارند.

جمعیت و تقسیمات سیاسی فضا :

در حال حاضر ایران دارای ۳۰ استان است اولین تقسیم بندی سیاسی فضا در ایران در سال ۱۲۸۵ ه.ش انجام گرفت که طی آن ایران به چهار ایالت (آذر بایجان، کرمان، بلوچستان، فارس و خراسان، تقسیم گردید) به ترتیب سال های ۱۳۱۶ ه.ش، ۱۳۳۹ ه.ش، ۱۳۶۲ ه.ش، ۱۳۷۵ تغییراتی در تقسیم بندی استان ها بوجود آمد و به تدریج تا سال ۱۳۸۳ تعداد استانها به ۳۰ استان افزایش یافت (از ۲۴ استان در سال ۱۳۵۷ به ۳۰ استان در سال ۱۳۸۲) (گیتا شناسی، ۱۳۸۳) جمعیت ایران براساس اعلام آخرین سرشماری در آبان ماه ۱۳۸۵ حدود ۷۲ میلیون نفر بر آورده شده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)^۲

تدوین استراتژی ملی با تاکید بر استراتژی سیاسی

"استراتژی تفکری است عقل گرا، برای ایجاد هماهنگی بین سیاست های کلی با موقعیت های فرا منطقه ای که قابلیت اجرای سیاست های کلی نظام را بتواند فراهم نماید" (عزتی، ۱۳۸۲، ۵)

سابقه تاریخی بهره گیری از استراتژی در ایران به دوره باستان و در ایران به کورش کبیر می رسد در غرب اسکندر کبیر و ناپلئون، استراتژیست های عملیاتی بودند و تئوریسین هایی مانند کلوز ویتس، آدام اسمیت، ماکیاولی، سون تزو (چین)، هاوس هوفر، اسپایکمن مکیندر ماهان، ردولف کیلن، و متاخرنی مانند هنری کیسینجر، برژینسکی، اس بی کوهن، هانتینگتن، فرانسیس فوکویاما، نوام چامسکی،.... در این زمینه فعالیت داشته و دارند.

عوامل تعیین کننده استراتژی:

عوامل ساختاری شامل محیط های خارجی و داخلی، برداشت ها، باورها، افکار عمومی، موقعیت جغرافیایی، ایدئولوژی های سیاسی و عوامل نظامی هستند از عوامل تاثیر گزار بر محیط خارجی می توان نظام های بین الملل را از قرن ۱۸ ذکر نمود که به ترتیب شامل نظام موازنه قوا، دو قطبی جهانشمول، تک، چند قطبی است.

عناصر استراتژی:

شامل اهداف، راهها و ابزار است.

اهداف (هدف های نظامی مورد نظر است)، راهها (روش های متفاوت به کارگیری کلیه نیروها)، ابزار (به معنای منابع نظامی، نیروی انسانی، قدرت مادی، نیروها و... است)

۱- این ارقام متعلق به قبل از سپتامبر ۲۰۰۱ م است.

۲- رقم تقریبی است و به صورت رسمی در آینده اعلام خواهد شد.

انواع استراتژی ملی:

استراتژی نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. استراتژی نظامی شامل (استراتژی های زمینی، دریایی، هوایی، فضایی، هسته ای، بازدارندگی هسته ای) است. (ازغندی و روشندل، ۱۳۸۰، ۷)، استراتژی اقتصادی در رابطه با راهبردهای بکار گرفته شده در زمینه های اقتصادی است و استراتژی های فرهنگی اجتماعی به مسائل فرهنگی و جامعه شناختی سمت و سو می دهد.

استراتژی سیاسی:

دلایل بهره گیری از استراتژی سیاسی و تاکید و بر آن عبارتست از:
 - توجه استراتژیست ها به عوامل غیر نظامی و پیچیده شدن مسئله جنگ
 - تاثیر متقابل استراتژی و سیاست بر یکدیگر به منظور تامین اهداف
 - تاکید بر عنصر روانشناختی.
 - تعریف سیاست بر مبنای قدرت
 - تعیین اهداف بنیادین استراتژی توسط سیاستمداران به جای ژنرال ها در گذشته (وابستگی استراتژی به سیاست و علوم سیاسی)
 - تعریف جدید از استراتژی به معنای سیاست در اجرا
 - تحت حاکمیت قرار گرفتن اهداف نظامی از طریق اهداف سیاسی مسایل مورد مطالعه در استراتژی سیاسی
 - تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت ها و تعیین مرزها سیاست خارجی
 - تعیین شاخصه های تاثیر گزار بر سیاست خارجی (مسایل اقتصادی، اجتماعی و...) (قوام، ۱۳۸۱، ۱۰۱)

انواع جهت گیری های سیاسی:

- استراتژی بی طرفی (حقوقی، سنتی، موقت، پایدار، مثبت، منفی)
 - استراتژی عدم تعهد
 - استراتژی اتحاد و ائتلاف (طبیعی، حفظ وضع موجود، تجدید نظر طلبانه)
 - استراتژی انزواگرایی (همان مأخذ، ۱۷۳)

راهبردهای تدوین استراتژی سیاسی:

- راهبرد واقعگرایانه
 - راهبرد آرمانگرایانه
 - راهبرد رفتار گرایانه
 - راهبرد فوق رفتاری

تکنیک ها و ابزارهای سیاست خارجی:

- دیپلماسی (سیاسی، اقتصادی، دوره جنگ، فرهنگی، اجتماعی، نظامی)
 - تعیین کدهای ژئوپلیتیکی (ملی، منطقه ای، جهانی)

- همگرایی

- تعارض

نظریه های همگرایی :

- کارکردگرایان (Functional)

- کارکرد گرایان جدید (New Functional)

- فدرالیست (Fedrative)

- مبادله

عوامل واگرایی در سیاست بین الملل:

- عوامل انسانی

- واحدهای مجزای سیاسی

- نخبگان سیاسی

- متغیرهای اجتماعی داخلی و بین المللی

- متغیرهای نظام بین الملل

عناصر تشکیل دهنده دولت:

-ایدئولوژی

- عوامل اجتماعی - انسانی

- عوامل سیاسی

- عوامل جغرافیایی

تطبیق داده ها ، نتیجه گیری و طرح پیشنهادات : تأثیرات جغرافیایی و مطالعات فرهنگی

سرزمین ایران از نظر جغرافیای طبیعی و انسانی عوامل مثبت و منفی را به طور نسبی، ترکیبی و همراه با هم دارد به همین دلیل ایران را نمی توان سرزمینی با عوامل و امتیازهای کاملاً مثبت و یا صرفاً منفی محسوب نمود لکن می توان از طریق تدوین استراتژی مطلوب و مناسب با در نظر گرفتن جمیع مسایل و هماهنگی با رویدادهای بین المللی تا حدود زیادی موارد منفی و نامطلوب را کاهش داد.

به طور خلاصه ایران در چند حوزه و قلمرو دارای کدهای ژئوپلیتیکی است که می تواند از طریق بکارگیری کدهای فوق بر موقعیت ملی و منطقه ای فرا منطقه ای خود بیفزاید در سطح ملی درون مرزهای سیاسی با توجه به بالابودن جمعیت جوان، تنوع اقلیمی و وجود معادن و بسیاری دیگر از امتیازها در جهت پیشرفت و توسعه و ایجاد مشاغل تولیدی می توان گام های مثبتی برداشت. در رابطه با کد ژئوپلیتیکی منطقه ای همجواری ایران با کشورهای متعدد از طریق آب و خشکی مانند همجواری با موقعیت ژئواستراتژیکی منطقه خلیج فارس و ژئوپلیتیکی حوزه دریای خزر همچنین همجواری باکشورهای مسلمان ترکیه و عراق در غرب و افغانستان و پاکستان در شرق و بالاخره موقعیت سوق الجیشی ایران به دلیل واسط بودن میان شرق مدیترانه، آسیای مرکزی و جنوب شرق

اسیا موجب گشته ایران از شرایط خاص جغرافیایی بهره مند باشد. بنابر دلایل فوق ضروری است در سطوح ملی، منطقه ای، فرا منطقه ای ابتدا فرصت ها و تهدیدها کاملا شناسایی شوند و با تدوین استراتژی ملی مناسب از فرصت ها کامل بهره برداری شود و تهدیدها به مرور کم رنگ شوند، بنابراین جهت پیشبرد هدف فوق پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

طرح پیشنهادات:

الف: محیط داخلی

۱- تقویت عوامل همگرا ساز در محیط داخلی ایران

سامان بخشیدن به هویت ملی ایران از طریق ایجاد چشم انداز فضایی - جغرافیایی از مرکزی به پیرامون و ایجاد پیوند میان اقلیت ها و اکثریت ملت ایران
شناسایی منافع ملی اعم از مادی و معنوی
گسترش و تعمیم آرمان های سیاسی در میان ملت
تعمیم و تاسیس تشکل های و احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی و دولتی و غیر دولتی (Nngoها) در سطح ملی.

برقراری عدالت جغرافیایی و ایجاد توازن نسبی میان بخش های مرکزی حاشیه ای
طراحی و توسعه الگوهای مشارکت ملی در امور سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی اداری و علمی
بهره گیری مطلوب از رسانه ها و ابزارهای فرهنگی و ارتباطی و سیستم های تعلیم و تربیت.
شناساندن مفاخر ملی، حماسه های ملی و اسطوره ها و افتخارات بخصوص متعلق به مناطق پیرامونی به عموم مردم

ایجاد اشتغال و مراکز کارایی در جهت بهره گیری از مشخصات و صاحبان فنون و طرف
ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی جهت سرمایه گزاران خارجی و علاقمند.
پرهیز از ذهنیت گرایی و افکار ایده آلیستی و غیره منطبق با واقعیات روز ایران و جهان
ب: محیط خارجی

ایجاد حسن اعتماد به حفظ حاکمیت و استقلال نسبت به کشورهای همجوار و همسایگان بلافصل.
کاستن از تهدیدهای امنیتی از طریق ایجاد تفاهم در سطوح منطقه ای و فرا منطقه ای.
شرکت فعالانه در پیمان های سیاسی و اقتصادی در سطوح منطقه ای و فرامنطقه ای مانند اکر، شانگهای و
رویارویی معقولانه در رابطه با مسایل منطقه ای و جهانی و پرهیز از شعار زدگی
اتخاذ تصمیمات راهبردی هماهنگ با منافع ملی و احتراز از رفتارهای منفعلانه.
عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها به خصوص کشورهای همجوار و استمرار نگاه بیطرفانه نسبت به رویدادهای جاری در این سرزمین ها.

تقویت رویکرد ژنو اکونومیکی، حفظ حاکمیت و استقلال سیاسی، تقویت قدرت ملی، توسعه سیاسی و اقتصادی

بهره گیری از امکانات امتیازات دو عرصه بحری دریای خزر و خلیج فارس و اهتمام در تدوین استراتژی بحری به دلیل اهمیت یافتن مسایل ژئواکومیکسی و وجود منابع اقتصادی که در این دو منطقه که به صورت بالفعل وجود دارد.

اجتناب از اتخاذ استراتژی بی طرفی و انزوا گرایی و به کارگیری استراتژی اتحاد ائتلاف در سطوح منطقه ای و فرامنطقه ای.

بهره گیری مطلوب از فرصت ها و تبدیل تهدید به فرصت .

منابع

- ۱- ازغندی علیرضا و روشندل جلیل، ۱۳۸۰، مسایل نظامی و استراتژیکی معاصر، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- بیک محمدی، حسن، ۱۳۷۸، مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۳- حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، سمت.
- ۴- میر حیدر، دره، ۱۳۷۱، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
- ۵- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۰، جغرافیای سیاسی دریایی، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، تهران: دفترسیاسی و بین المللی.
- ۶- عزتی، عزت الله، ۱۳۸۲، ژئواستراتژی، تهران، انتشارات سمت
- ۷- قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۰، اصول سیاست خارجی و سیاست یسن المللی، تهران، سمت :
- ۸- مرکز آمار ایران
- ۹- مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز

10- EIA "Persiam Golf I Land Gas Export" 2004

11- Hobbs, josphy, " wold Region Googaphy" university of Missouri, Colombia 2006

12- WWW. Google. co. Com

13- Geo, Paris, 2006